

# الباب الخامس و العشر من الواحد الثامن في ان فرض لكل...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الخامس و العشر من الواحد الثامن في ان فرض  
لكل احد ان يتأهل ليبقى عنها من نفس يوحد الله ربها و  
لا بد ان يجتهد في ذلك و ان يظهر من احدهما ما يمنعها  
عن ذلك حل على كل واحد باذن دونه لان يظهر عنه  
الثمرة و لا يجوز الاقتران لمن لا يدخل في الدين و من كان  
مقترنا بنفس يجب عليه الاقتراق اذا شاهد منه دون الايمان  
بالبيان و لم يحل عليه او عليها شيء الا اذا يرجع في البيان و  
قبل ان يرفع امر الله في يوم "من يظهره الله" اذن للمؤمنين  
و المؤمنات لعلمهم يرجعون.

ملخص اين باب آنکه در اين عالم اعظم ثمراتی که خداوند بعد از ايمان باو و حروف واحد و آنچه در بيان نازل  
فرموده داده اخذ ثمره ايست از وجود خود که بعد از موت آن آن را ذکر کند بخير و امر شده در بيان باشد



ORIGINAL



AUDIO

امر حتی آنکه اذن داده شده اگر سبب منع در طرفی مشاهده شود اختیار اقترانی باذن آن تا آنکه ثمره از وجود آن ظاهر گردد لعل ورق شود از اوراق جنت اگر ایمان آورد "بمن یتظهره الله" و الا ورقی میگردد از اوراق نار و اگر موجود نشود اولی است عدم آن از وجود آن بهتر است

و حلال نیست اقتران الا با نفسی که ایمان آورده باشد در هر ظهوری بظاهر آن ظهور و اگر احدهما اختیار ایمان نمایند اقتران اذن داده نمیشود از برای آن و منع کرده میشود از آنکه ایمان نیاورده حقوق آن زیرا که مالک کلتی خداوند است عز و جل و اذن نداده بر غیر مؤمن تملیک شیئی و آنچه بر ایدی غیر مؤمنین می بینی بغیر حق است که اگر حق مقتدری باشد نفسهای ایشان را از ایشان منع میکند الا آنکه ایمان آورند چگونه ما یملک ایشان

الا قبل از ارتفاع کلمه الله که بدء ظهور است اذن داده شده از برای حفظ نفوس مؤمنه ولی حین ارتفاع اذن داده نشده بلکه نمیتواند ورق جنت با ورق نار قرین شود زیرا که کینونیت آن مدد از نفی میبرد و کینونیت آن مدد از اثبات و آن لا شیئی محض است و آن با شیئیت صرف است بامر الله

و سزاوار است بر کل نفوس مشرقه در بیان که از برای خود ثمری از وجود خود اخذ نمایند تا آنکه مکرر شود مراتب اعداد تا آنکه در بحر لا نهاییه داخل شود چه در بدء هر ظهوری اعداد نهاییه است که درجه بدرجه الی ما لا نهاییه منتهی میشود هزار و دویست و هفتاد سال قبل را نظر کن که محمد - صلی الله علیه و اله - بود با امیر المؤمنین از مؤمنین بقرآن و امروز بین میتوانی احصا نمود این قسم است که الف ما لا نهاییه ترقی میکند و بلاغی از برای آن نبوده و نیست

و همچنین مبدأ ظهور بیان را مشاهده کن که تا چهل روز غیر از حروف سین مؤمن بباء نبود احدی و کم کم هیاکل حرف بسمله تقمص ایمان را پوشیده تا آنکه واحد اول تمام شد و بعد مشاهده کن تا امروز که چقدر مکرر شده این واحد قسم بذات مقدس لمیزی که اگر مبدأ ظهور اسباب ظهور ظاهر شده بود امروز ما علی الارض غیر از مؤمن نبود زیرا که حقیقت نار الله هست که اگر کل داخل شوند در ظل او بنار حب او مسیح میگرددند و محمد و موحد و مکبر بلا آنکه از ملک از شیئی منقوص گردد یا بر ملک اوشی زاید شود زیرا که از برای خدا بوده آنچه در سموات است وارض و ما بینهما چه ظاهر شود که مظهر حقیقت بظاهر اظهار فرماید یا آنکه کل باسم او اظهار نمایند و درجه بدرجه خواهی دید تا آنکه از حد بلا حد و از نهاییه بلا نهاییه مشاهده کنی خلق جنت بدع را

ولتوکلن علی الله ثم فی ایام الله تصبرون.

